کد خبر: ۲۸۳۷۵۵
دوشنبه ۱۱ بهمن ۱۴۰۰ ۱۴:۲۲

نسبت فرهنگ با سیاست و اقتصاد

از یک منظر رابطه میان فرهنگ با سیاست رابطه کل و جزء یا عام و خاص است. در چنین وضعی سیاست درون فرهنگ جای می‌گیرد. از منظری دیگر، از یک نظر با تأکید بر بخش ارزش و اخلاق و اعتقاد، فرهنگ از سیاست جدا می‌شود. در چنین وضعی ممکن است سیاست هدف اخلاقی پیدا کند، اما خود از مقوله اخلاق نیست. این گزارش پژوهشی با عنوان «نسبت فرهنگ با سیاست و اقتصاد» توسط سیدمحمد محمدی و مسعود پدرام در سال ۱۳۹۷ توسط دفتر مطالعات و برنامه‌ریزی راهبردی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی منتشر شده است.

هدف از نوشتار زیر پاسخ به سؤالات زیر است:

ویژگی و کارکرد اصلی حوزه‌های فرهنگ، سیاست و اقتصاد کدام‌اند؟
پیامدهای منفی سیطره و نفوذ یک حوزه (مثلاً اقتصاد) بر حوزه‌های دیگر (مثلاً فرهنگ) چیست؟ (ص ۹)

حادثه‌ای چون اختلاس و دزدی‌های کلان با استفاده از مقام و منصب دولتی که نمونه‌هایی حیرت‌انگیز از آن را در دهه ۱۳۹۰ دیدیم؛ نمایانگر رسوایی اخلاقی است. نیز بمب‌گذاری در محل‌های عمومی و حملاتی تروریستی مثل آنچه در مجلس شورای اسلامی صورت گرفت در جامعه دلهره‌هایی اخلاقی به جهت امکان رواج خشونت و قتل انسان‌ها پیش می‌آورد. مجازات‌هایی که برای مجرمین چه از طریق قانون چه به‌صورتی تلویحی از طریق دولت و یا جامعه اعمال می‌شود نیز توجه جامعه را به خود جلب می‌کند. پدیده جنگ هم جامعه را از صلح و آرامش خارج می‌کند و دشواری‌ها و مصائبی گاه بسیار گسترده را برای جامعه به وجود می‌آورد. اما هرکدام از این پدیده‌ها که شرّ را عینیت می‌بخشد، در مقابل باعث می‌شود خیر در مرتبه‌ای ناب مطرح شود و از چنین جایگاهی جامعه با این پدیده‌ها مواجه شود. (ص ۶۷)

اگر به دوره پیش از انقلاب بازگردیم، به‌طور مشخص از اواسط دهه چهل یا اواخر دهه پنجاه، انبوهی از انتقادهای جدی را در قالب ابراز نگرانی‌ها و هشدارها و به چالش کشیدن‌ها دربارهٔ از میان رفتن نظام اخلاقی می‌بینیم. در میان رمان‌هایی که نوشته می‌شد، فیلم‌هایی که ساخته می‌شد، سخنرانی‌های متنوعی که از سوی افراد و گروه‌هایی، اعم از روشنفکران و رهبران سیاسی و روحانیون، ایراد می‌شد، بحث فرهنگ و اخلاق کاملاً جلوه‌گر بود. در عصر حاضر نیز بسیاری از روشنفکران و روحانیون و نیروهای سیاسی نگرانی خود را از افول اخلاقیات در جامعه به انحای مختلف ابراز می‌کنند و تااندازه‌ای شبیه به دوره پیش از انقلاب نگرانی‌ها و هشدارهایی در زمینه‌های مختلف هنری و فرهنگی، سیاسی و اجتماعی و حتی فلسفی ابراز می‌شود. (ص ۶۸)

در دوره‌های مختلف در جامعه ایران شاهد تغییراتی در گفتمان عمومی بوده‌ایم که بسیاری از آن‌ها مبنایی اخلاقی داشت. این‌که در تعامل با دیگر کشورهای جهان و سازمان‌های بین‌المللی مصالحه و مدارا اصل باشد و نه آشتی‌ناپذیری، برساخته‌ای است که بخشی از آن برپایه مصلحت و بخشی دیگر برپایه اخلاقیات، در فرایند اجتماعی شکل گرفت. یا مطالبی که اکنون دربارهٔ آغاز و ادامه جنگ ایران و عراق گفته می‌شود، با مطالب دوران

جنگ بسیار متفاوت است. چراکه بحث خسارت‌هایی که ایران دیده است و صدماتی که به بخش‌هایی از جامعه در مناطق جنگی وارد آمده است در دوره پس از جنگ مورد بازبینی و بازتعریف اخلاقی قرار گرفته است و اکنون در مواقعی بحث لزوم صلح و لزوم پایان‌بخشی سریع‌تر به جنگ مطرح می‌شود، بی‌آنکه ارزش‌هایی که برای رزمندگان برشمرده می‌شود خدشه ببینند. (ص ۶۹)

به‌طورکلی طرح شدن بحث نسبت فرهنگ و سیاست از مسیر ارتباط سیاست با ارزش و اخلاق حاصل بحرانی بود که در مبانی مدرنیته نمایان شد. (ص ۷۵)

کشور ایران زمانی میدان مبارزهٔ شرق و غرب بوده که اثرات آن تاکنون باقی مانده است. در رویکرد مارکسیستی، برای ساختن جامعهٔ ایدئال باید سیاست را دگرگون کرد و روابط قدرت موجود را برهم زد. در رویکرد کاپیتالیستی نیز باید رشد و شکوفایی اقتصادی را دنبال کرد. داروی درد جامعهٔ ما اولویت‌بخشی به هیچ‌کدام از دو بعُد مذکور نیست. بدون توسعهٔ فرهنگی و بالابردن آگاهی و شعور اجتماعی، نه توسعهٔ اقتصادی و نه توسعهٔ سیاسی، پایهٔ محکمی برای پیشرفت پایدار نخواهد بود. حال که هم قبل از انقلاب و هم بعدازآن رویکردهای بدیل توسعهٔ سیاسی یا توسعه به‌دفعات آزموده شده و نتایج لازم را به دنبال نداشته‌اند، وقت آن رسیده است که اولویت را به توسعهٔ فرهنگی دهیم و در گام دوم به توسعهٔ سیاسی و اقتصادی بپردازیم؟ اگر باور داریم که «فرهنگ از اقتصاد مهم‌تر است چون فرهنگ، به معنای هوایی است که تنفس می‌کنیم» (بیانات مقام معظم رهبری در دیدار با اعضای شورای عالی انقلاب فرهنگی، ۱۳۸۳). (ص ۹۴)

خرید و فروش در حوزه فرهنگ

نوع جدید این خریدوفروش که متأسفانه کشور ما در آن پیشتاز است، استفاده بازاری و اقتصادی از فضای مساجد و مکان‌های مذهبی است. احداث واحدهای تجاری در مساجد و یا تبدیل کردن مصلی‌های شهر به نمایشگاه و مکان ارائه محصولات، کار شایسته‌ای نیست. بدو ن شک این موارد مصادیق کالایی شدن معنویات هستند. تراژدی مصلی تهران به جایی کشیده است که فقط در جمعه‌های سرد و بارانی اولویت نماز گذاشتن با مصلی هست و در جمعه‌های دیگر اولویت با نمایشگاه است و نمازگزاران به دانشگاه تهران دعوت می‌شوند. مرقد امام رضا (ع) و حضرت معصومه (س) هم که سال‌هاست به دلیل احداث پاساژهای تجاری در اطراف آن، معنویت، آرامش و صفای مکانی خود را از دست داده‌اند. در کشورهای اروپایی که ادعای ارزشی و مذهبی‌بودن ندارند به مکان‌های مذهبی و آموزشی چوب حراج نمی‌زنند، درحالی‌که در ایران دستگاه‌ها در این زمینه باهم مسابقه گذاشته‌اند. نباید اجازه داد به بهانه درآمدزایی این مکان‌ها هم به پول آلوده شوند. اگر دغدغه حفظ دین، معنویت و اخلاق را داریم باید همان‌طور که در این مطالعه مشخص شد، فرهنگ حوزه تعیین ارزش‌های جامعه است؛ این ارزش‌ها که ریشه در اسطوره‌ها، مذهب، محیط‌زیست، تجربه زیسته و روابط اجتماعی دارد به‌مرور زمان شکل گرفته و از نسلی به نسل دیگر منتقل می‌شود. ارتباط فرهنگ با سایر ابعاد (اقتصاد و سیاست و اجتماع) با همین ارزش‌ها انجام می‌گیرد. اگر فرهنگ نتواند ارزش‌های مناسب برای سایر حوزه‌ها مانند اقتصاد یا سیاست فراهم کند آن جامعه با مشکلات و بحران‌های زیادی روبه‌رو می‌شود. (ص ۱۲۴)